

سال دوم

جلسه ۱۹

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۳۰ / ۱ / ۹۱ چهارشنبه

بحث سوم:



## دو قول اصلی پیرامون هیأت های اخباری

### قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۳. نظریه آیت الله فیاض  
و آیت الله وحید

۳. نظریه محقق  
عراقی

۲. نظریه مرحوم  
خویی

۱. نظریه مشهور

### قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

۱. نظریه امام  
خمینی

نکته اول

قضایای حملیه به حمل شایع در مصادیق عرضی

به نظر امام در قضایای حملیه بسیطه، قضایای حملیه به حمل اولی، قضایای حملیه به حمل شایع در مصادیق ذاتی و به تبع آنها در قضایای ملفوظه وجود « نسبت » منتفی است.

اما

در قضایای حملیه به حمل شایع در مصادیق عرضی

وجود «نسبت» را می پذیرند

مثلا در (زید ابيض)

میان (زید) و (ابيض) قائل به وجود نسبت هستند.

اگر بررسی

چرا می فرمایند در قضایا نسبت وجود ندارد؟  
در حالی که قضیه، مرکب از مفاهیم است و در آنها مفاهیم مشتق به کار می رود

پاسخ می دهیم

ایشان معتقدند که در اینگونه قضایا «نسبت» در درون مفهوم مشتق است  
اگر

مشتق بسیط باشد، نسبت در اعتبار لا بشرط است

و اگر

مشتق مرکب باشد، نسبت در «ذات، ثبت له القیام» است.

نکته دوم

تفاوت نظر امام در «مناهج الوصول» با «انوار الهدایه»

موجبه هلیه مرکبه

قضایای معتبره نزد عقلا

هیئت قضیه خبریه مؤوله

۱- «موجبه هلیه مرکبه» به موضوع و محمول و نسبت منحل می شوند و هر کدام در عالم خارج ما به ازاء دارند.

۲- «قضایای مؤوله» در صورتی که موضوع و محمول از قبیل جوهر و عرض نباشند، از نسبتی که بین جوهر و عرض و یا بین موضوع و محمول موجود است حکایت می کنند

قول دوم [غیر همانندی تمام هیأت ها] / بررسی نظریه امام خمینی

### نحوه حکایت قضایای مؤوله

در مثل «زیدٌ له البیاض» (لام) از یک نوع اضافه بین زید و بیاض، و هیأت جمله خبریه به دلالت تصدیقیه از تحقق این اضافه حکایت می کند.

مؤوله موجب

در مثال «زید لیس له القیام» (لام) بر اضافه دلالت می کند و حرف سلب بر سلب اضافه.  
(پس لام بر نفس اضافه دلالت دارد).

مؤوله سالبه

نکته:

حرف (لام) بر وجود اضافه بین زید و دار دلالت دارد نه بر ماهیت نسبت.

## اگر بگوییم

تقوم قضیه به نسبت است  
نسبت نیز گاه مطابق با خارج (صادق) و گاه غیر مطابق (کاذب) است  
پس نفی نسبت منجر به نفی قضیه می شود

## پاسخ

«تقوم قضیه به نسبت»  
اگر چه مشهور است اما قابل استناد نیست تا نفی نسبت به نفی قضیه منجر شود  
خواهیم گفت که ملاک صدق و کذب در قضایا چیست



قول دوم [غیر همانندی تمام هیأت ها] / بررسی نظریه امام خمینی

نکته

قضایای حملیه به حمل شایع که موضوع آنها مصداق ذاتی محمول نیست

۱- این نوع قضایا نیز بر «هو هویت» دلالت می کنند.

زیرا یا

ذات در مشتق اخذ شده = فقدان نسبت میان آنها قطعی است

یا

ذات در مشتق اخذ نشده = با لحاظ «لا به شرط» بودن، موضوع و محمول متحد شده،

هو هویت می یابند و در نتیجه وجود نسبت منتفی است

نکته

تفاوت قائم و قیام

تفاوت میان قائم و قیام در

«به شرط لا» بودن و «لا به شرطیت عن الحمل و الاتحاد» است

در عالم لفظ نیز مانند عالم خارج قضیه حاکی از هو هویت  
است

اگر بگویی

با توجه به آنچه گذشت چرا در «انسان قائم» انسان را مصداق عرضی قائم می دانید؟

پاسخ

این نظر دقیق است

مثل آنکه می گوئیم ماهیت بالعرض موجود است در حالی که عرف ماهیت را به تبع وجود موجود می داند.

حاصل آنکه

- ۱- همه قضایای حملیه غیر مؤوله از «هوهویت» حکایت می کنند
- ۲- هیئات آنها برای دلالت بر «هوهویت» وضع شده اند
- ۳- دلیل ما بر آنچه گفته شد «تبادر» است

نتیجه: موضوع له در جملات خبریه «هوهویت» است